

عنوان مقاله:

عقل و عشق، تقابل یا تناسب؟

محل انتشار:

فصلنامه زبان و ادبیات فارسی، دوره 10، شماره 20 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

مظاهر نیکخواه - دانشگاه آزاد اسلامی شهرکرد

فرزاد محمدی - دانشگاه آزاد اسلامی شهرکرد

حمزه محمدی دهچشمه - ff

خلاصه مقاله:

عشق و عقل دو ساحت عمده و بنیادی از ساخت های هستی انسان بوده و ماهیت او نیز به این دو امر وابسته است. تنها موجودی که بار سنگین و طاقت فرسای امانت الهی را به دوش کشید انسان بود و توانایی تحمل این بار سنگین نیز از آثار عقل و عشق به شمار می آید. عظمت و شکوه انسان از عقل و عشق به دست می آید. سعادت و شقاوت او نیز در پرتو این دو امر تعیین می گردد. حماسه های بزرگی که انسان از طریق عشق آفریده، شگفت انگیز است؛ چنان که آثار فکری و فرهنگی او نیز که از عقل سرچشمه گرفته اعجاب آور و خیره کننده است. درباره ماهیت عقل و عشق و تفاوت میان این دو امر بنیادی و اصیل سخن بسیار گفته شده و بررسی های فراوان انجام پذیرفته است، ولی هرگز نمی توان ادعا کرد که سخن گفتن در این باب به پایان رسیده و آنچه باید گفته شود، مطرح گشته است. این سخن درباره بسیاری از امور دیگر نیز صادق است؛ زیرا کم نیست شمار ماهیت و اموری که سال های متمادی مورد بحث و بررسی قرار گرفته ولی هنوز به راه حل نهایی خود نرسیده است. آنچه در این پژوهش بررسی می شود، موضوعی است که اندیشمندان کمتر به آن پرداخته اند و آن تناسب و آشنایی یا به عبارت دیگر اتحاد و هماهنگی بین عقل و عشق است. می توان گفت میان عقل و عشق اگرچه در آغاز امر، نوعی اختلاف و تقابل دیده می شود ولی در پایان کار و نهایت امر، این اختلاف و تقابل از میان برداشته می شود و این دو امر اساسی با یکدیگر متحد و هماهنگ می شوند.

کلمات کلیدی:

عقل، عشق، عرفان، عشق حقیقی و مجازی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1810015>

